

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنیادهای کثر

در تاریخ نویسی معاصر ایران



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

فهرست مطالب

فصل نخست

۱۱ تاریخ و تاریخ‌نویسی

فصل دوم

۱۵ لیبرالیسم و تاریخ‌نویسی

فصل سوم

۲۵ مارکسیسم و تاریخ‌نویسی

فصل چهارم

۳۹ اسلام و تاریخ‌نویسی

فصل پنجم

۶۳ ریشه‌ها و راه‌های تاریخ‌نویسی نو در ایران

فصل ششم

۸۳ شرق‌شناسی و تأثیر آن در تاریخ‌نگاری معاصر

فصل هفتم

۱۰۳ خواب در سایهٔ سلسله‌ای خراب

فصل هشتم

۱۵۷ بیدارباش

فصل نهم

۲۱۵ به سوی کُشتارگاه

فصل دهم

۲۵۵ چراغ‌ها را شکستند

فصل یازدهم

۲۸۵ جمهوری شاهنشاهی رضاخان قلدر!

فصل دوازدهم

۳۰۳ دادخواهی بیدار

فصل سیزدهم

۳۲۳ رازهای نهفته در تاریخ یک جهش

فصل چهاردهم

۳۳۵ خیانت بازار استعمار برای پاره پاره کردن سرزمین ایران

فصل پانزدهم

۳۸۳ دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی و جنبش ملی

فصل شانزدهم

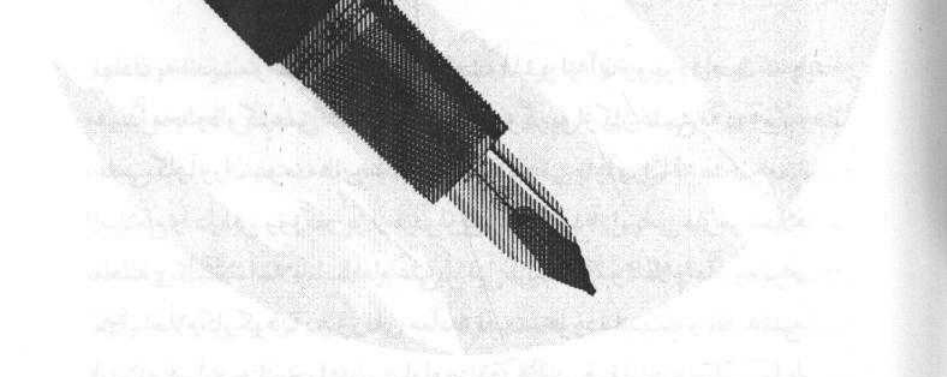
۴۴۹ گهواره‌ای برای یک انقلاب

فصل هفدهم

۴۶۵ آن‌گاه که کژاندیشان تاریخ می‌نویسند

برخی از منابع و کتاب‌ها شناخت بنیادهای کژ در تاریخ‌نویسی معاصر

۵۱۳ ایران



پیشگفتار

بخش قابل توجهی از متون جدید تاریخی منتشر شده در دوران معاصر ایران را کتاب‌هایی پرکرده‌اند که تاریخ‌نویسان غربی یا تاریخ‌نویسان غرب‌زده ایرانی و فارسی‌زبان، در گردآوری، پرداخت، تألیف و نشر آنها نقشی بسیار بنیاد داشته‌اند. نام صدها پژوهشگر، نویسنده، مترجم و ناشر فعال در ایران را می‌توان نام برد و از ده‌ها تاریخ‌نویس و شرق‌شناس اروپایی در این میدان می‌توان یاد کرد. در گذرگاه چندین دههٔ پیاپی، فرهنگ و آیین و نسل‌های جویای دانش و حقیقت‌ما، زیر بارهای بی‌امانی از متون ذکر شده قرار داشته‌اند. اکنون که پس از انباشته‌های انباشته از ترجمه و رونویسی متون دیگران - که ادعای ایران‌شناسی و بازتاب تاریخ و سرگذشت مردم و سرزمین ایران را داشته‌اند - بسیاری پرسش‌های پاسخ داده نشده را در دامن روزگار خویش، انباشته برهم می‌بینیم. امروز، که پس از سپری کردن دوران‌های حاکمیت استبداد و استعمار - هم استعمار کهن و هم نو - در آستانهٔ شکوفایی حاکمیت انقلابی - اسلامی مردم ایران، بر سرنوشت اجتماعی و فرهنگی خود پا گذاشته‌ایم، باید عرصهٔ دیالوگ، نقادی و افق‌گشایی بسیاری از میدان‌های علمی و فرهنگی مردم کتابخوان و دوستداران نقد فکری، به‌ویژه نسل آینده‌دار انقلاب اسلامی را فراهم کنیم.

تأکید حکیمانهٔ رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بر امر حرمت

نهادن به اندیشه و نقد آزاد و سالم اندیشه‌ها نیز از آن رو بوده است که باید از هسته محدود و کم عمق شعارزدگی محض و گریز از کار علمی به درآییم و بنیه علمی کارآوران عرصه‌های علوم گوناگون و نیز بارآوران فرهنگ ایرانی - اسلامی را در این روزگار پر از دشواری و برخورد آرا، پاس داریم. اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) اسلام ناب امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) و اسلام امام جعفر صادق (علیه السلام) اسلام کار کردن در ژرفای معادن دست نخورده اندیشه و نقد علمی بوده است و همواره چنان خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «حیات عالم و علم نقد وابسته است.» باید آستین‌ها را برای اجرای رهنمودهای قرآن، پیامبر، ائمان بزرگ و رهبری فرهیخته انقلاب اسلامی ایران بالا زد و برخوردهای مغرضانه، الم‌نهادهای سیاست پیشه را که حرف تازه درستی برای علم و عمل انسان روزگار ما ندارند، با کار پایه‌های اسلامی و انقلابی در وادی علم و نقد علمی پاس کنیم و بیدارگر داد. اسلام، کار را عبادت و دانش دانشمند را هم‌پراز خون می‌بهد. خدا دانسته است. کوتاهی ما در این میانه، نابخشودنی است. باید کارهایی کرد، تا بدان. باید به گسترش دانش برحق و میدان‌گشایی برای نقد و نظر علمی ناب یاری رساند.

هنگامی که جهانخواران و مصلطه‌های دست به سینه استعمار کهنه و نو، تاریخ ما را جعل می‌کنند و گزارش این تاریخ را به شیوه‌هایی فریبده و گمراه کننده می‌نویسند، باید ما به خود آییم. تبیین بهنگام و همه سویه این فریب و کژروی را، سرلوحه‌ی کار - عبادت - مردن - اراد دهیم و همچون مجاهدی که خون خود را در راه پیروزی حقیقت می‌فشاند، هر کدام از ما که برای پژوهش و نوشتن تاریخمان توانی داریم. جهاد خود را که همانا جستجوی علمی و تبیین صادقانه حقایق و نوشتن نانوشته‌هاست - با تکیه بر علم و توان نویسنده‌گی خود، پی بگیریم و راه‌های بسته و گره‌های دشوار را بگشاییم. از دست دادن یک لحظه و به هدر دادن یک نفس هم در پیشگاه

خداوند، توجیه‌پذیر نخواهد بود. اگر ما در برابر این همه‌کار نابخردانه و ناعادلانه‌ای که در دنیای غرب و در میان غرب‌زده‌های ایرانی انجام می‌گیرد، نسبت به توان علمی و نقادی اهل قلم و اندیشمندان متعهد و حقیقت‌جو، بی تفاوت بمانیم و حتی به بهانه‌های گوناگون، راه حمایت - همان حمایتی را که رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی بر آن تأکید کرده‌اند - از اندیشمندان و نقادان توانمند عرصه علم و هنر و ادب و فرهنگ را در غبار فراموشی و تأخیر جا بگذاریم و کار امروز را - و بلکه کاری را که باید در دیروزهایمان انجام می‌دادیم - به فردا و پس فردا بیندازیم، دشمنان فرهنگ و تاریخ مسلمانان و ایران اسلامی، دمی را نیز از کف نمی‌دهند. آنها پژوهشگاه در پی پژوهشگاه، ناشر در پی ناشر، نویسنده در پی نویسنده و مترجم در پی مترجم ساخته و پرداخته‌اند. تا به اینچنان بنمایانند که ما همانیم که آنها نشان می‌دهند. در این میان، همه متعهدان به اسلام، انقلاب و ایران باید مسؤولیت‌پذیر باشند. باید زحمت کشید؛ باید طایفه‌گر شده و دقیق آثار ادبی، هنری، فرهنگی و تاریخی نشر یافته در جاسعه و چهار خود را در برنامه روزانه کار فکری و نقادی خود گنجانند و با نظمی بزرگوار، به انجام و ثمردهی این برنامه همه روزه اهمیت داد.

اگر در دوران قاجار و پهلوی، دست‌نوازان دین و فرهنگ و اندیشه ما، در کنج زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها بسته بود، در دوران طفیلی‌های انقلاب اسلامی، توجیه‌پذیر نیست که خردمندان و اندیشمندان ما در پیچ و خم گرفتاری‌های بیپایان زندگی روزمره سرگردان باشند و به جای خلق آثار، وسوسه و فکری، خموده و پژمرده دلشوره‌های گوناگون شوند. تأکید و هشدار به اربابان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و رهنمودهای ایشان در راستای حمایت از نخبگان، نباید حتی برای دمی دچار سهل‌انگاری و کاهلی شود. هویت ما را جعل و انکار می‌کنند؛ ما را جهان سوم، جهان پیرامونی، جهان عقب‌افتاده و

جهان خرافی و خردگریز نشان داده‌اند؛ به خودمان و فرزندانمان نیز این را می‌نمایانند. تاریخ ما را واژگونه می‌سازند تا ما هنگام جستجوی ریشه‌هایمان، دچار سرسام شویم. این، هم تاکتیک غرب و غرب‌زده‌هاست و هم استراتژی آنها. به هر گوشه‌ای از سرزمین‌های کهن ما مسلمانان سرک می‌کشند، استاد و کتاب‌های کهن ما را همچون منابع مادی - نفت، گاز، مس، طلا، الماس، سنگ و چوب - به تاراج می‌برند و تعبیر و تفسیر واژگونه خودشان را از آن اسناد و کتب، به ما بازپس می‌دهند. در پس و پیش استعمارگران کهنه و نو، سپاهیان شرق‌شناسان و تاریخ‌نویسان جاعل، راهی سرزمین‌های مسلمین شده‌اند تا ما را مجبور کنند، چنان گمان بریم که کاری از دست خودمان برنمی‌آید؛ آنها بوده‌اند که تپه‌های باستانی ما را خوانده‌اند؛ آنها هستند که به ما می‌گویند دین زکات آمده است و به کجا می‌رود؛ آنهایند که مدارس و مکتب‌خانه‌های سنتی ما را برب تعالی کشانده‌اند و آموزشگاه‌های مدرن را در گوشه و کنار تاریخ ما ساخته‌اند؛ آنها هستند که امر تجعین تاریخ ما را در تاریخ معاصرمان شناسایی و معرفی می‌کنند. مرتجعین تاریخ ما را نیز به خودمان باز می‌شناسانند! به راستی، چه حاشیت و غفلت، در برابر این یورش عملی و فکری استعمارگران غربی و نوکران غرب‌زده آنهاست؟ باید برخاست و در راه به پای داشتن میدان‌های نقادی علمی، تاریخی، ادبی، فرهنگی و تاریخی گام برداریم. نهراسیم از این که در فرودس‌های راه، نکند که ره تاریک و لغزان باشد. راه که برویم، ترسمان می‌ریزد از صبور، ایوب و دلاوری مولای عارفان و اندیشمندان امام علی علیه السلام بی‌موزی. شهرهای تاریخ مصرف‌دار خوب است، اما در برابر سیلاب تحمیق و بارگوشه‌سازی‌های شبه علمی عالیه‌نماهای غربی و غرب‌زده، جای قلم و استدلال و کتاب را نمی‌گیرد. کتاب می‌ماند. کتاب مخاطبان ویژه دارد، اما همین مخاطبان ویژه هستند که می‌توانند فرداهای علوم و اندیشه یک قوم، یک سرزمین و حتی یک جهان را

رقم بزنند. همان گونه که امام علی علیه السلام فرموده اند و چه زیبا هم تصویر کرده اند: «فرصت ها همچون ابر از افق زندگی ما می گذرند...» و این ماییم که باید پیام مولای سرور اندیشمندان را دریابیم.

شایسته نیست در سرزمین هایی اسلامی، که روزگاری عظیم ترین دانشگاه ها و کتابخانه های جهان را داشته اند، اما چشممان به دست سیاحان، شرق شناسان و تاریخ نویسان غربی و غرب زده باشد و از لاک خموشی خود برون نیایم و نگوییم: ما نیز می خواهیم تاریخ خودمان را، دست کم تاریخ معاصر و نه چندان دور خودمان را از نو و با دیدگانی هوشیار و نکته سنج دریابیم. سدی در برابر سیلاب کتاب های عالم نماهای غربی و غرب زده بندیم، و آثار و ادبیاتی را از دریچه های نقد و سنجش خردمندانه خود عبور دهیم و آنگاه حقان را بپذیریم و دروغ ها را پس برانیم. در فصول بعد نیز در این باره ها بیشتر خواهیم نوشت. بازگویی دردها و آرمان ها، بار خستگی و شکستگی را فرومی اندازد و به پیش رفتن را چالاک تر و مطمئن تر می کند. تکرار بهنگام و برانگیزنده این نکته ها که در این پیشگفتار برشمردیم، هم یادآورنده و هم برانگیزنده ما را به پی گیری هرچه مشتاق تر موضوع این اثر خواهد بود.

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت